



نگاهی بر تربیت جنسی فرزندان

افسر بخشی - مدرس

اخلاقی را از جمله زمینه جنسی بطور عام از شرع می‌گیریم و غرب آن را از حیات اجتماعی و شرایط عرف و اجتماع اخذ می‌کند به هر حال جامعه سالمی که انتظارش را داریم دختران و پسران را می‌بایست بگونه‌ای تربیت نماید که به دختر یا پسر بودن خویش قلباً خشنود باشند و به آن افتخار کنند و به گفته شهید مطهری: «مقتضای منطق و تعقل این است که با سنن و خرافات مبتنی بر پلیدی علاقه جنسی مبارزه کنیم و در عین حال موجبات طغیان و عصیان و ناراحتی غریزه را به نام آزادی و پرورش آزادانه فراهم نکنیم. سنت مخفی داشتن آن زمینه‌ساز عوارض و گاهی هم حرص و عطش بیشتر در کشف است. واقع بینها را باید پذیرا شد در عین اینکه هدفگرایی را از یاد نمی‌بریم.»

آبراهام مزلو^(۱) معتقد است که:

اگر میل جنسی نیز چون دیگر انگیزه‌های اولیه انسان، مانند تشنگی و

جوامعی که بی‌بندوباری جنسی رواج دارد مسؤولان جامعه اساس تربیت جنسی را بر آموزش روابط جنسی می‌گذارند و از سنین دبستان ساعاتی را اختصاص به چگونگی آموزش روابط به کودکان می‌پردازند غافل از آنکه همین مطرح نمودنها باعث زودرسی بلوغ در کودک می‌شود بدون آنکه کودک بداند این بیداری جنسی را چگونه می‌بایست به سامان برساند زیرا هنوز از لحاظ شناختی به مرحله بالایی از رشد نرسیده است لیکن ما هدف از تربیت جنسی را اطلاعاتی می‌دانیم که به فرزند می‌دهیم تا مسائل مربوط به جنسیت خویش را تشخیص دهد و به وظایف و مسؤولیتهای خویش پی‌برد و با توجه به سلامت جامعه به سازگاریهای مطلوب رسیده، ارزشهای اخلاقی و فرهنگی را همواره مدنظر قرار دهد و در مواقع مختلف باهشیاری و با توجه به شرع و اخلاق موضع لازم را اتخاذ نماید. تفاوت بین ما و غربیها برای تربیت جنسی بسیار اساسی است. زیرا ما کلیه ریشه و مبانی

کودکان امروز سازندگان فردای جامعه‌اند. سعادت و بقای هر جامعه بستگی به تربیت صحیح آینده سازان آن دارد. یکی از ابزار مهم تربیت، شناخت مربی، استعدادها، محیط و مساعد نمودن محیط با توجه به توان او و نیازهای اولیه است که نتیجه آن برآورده شدن نیازهای والای فرد است.

در این سخن اجمالی قصد آن داریم به بحث پسیرامون یکی از اساسی‌ترین نیازهای فیزولوژیک فرد و چگونگی رویارویی و بهره‌مندی مطلوب از آن در راستای اعتلای فرد و جامعه پردازیم زیرا عدم برخورد صحیح با این نیاز همواره بعنوان یک معضل اساسی در جوامع شناخته شده است. سعی نگارنده در این مقاله این است که با توجه به برداشتهای مختلفی که از بلوغ جنسی شده عوامل موثر در آن را برشمرد و در پایان وظایف مربیان و اولیا را بیان نماید زیرا هر جامعه‌ای با توجه به اهداف غایی آن به‌گونه‌ای به این مقوله می‌پردازد، در

بسیاری است.^(۵) پس لازم است تربیت جنسی را با سن و رشد فرزند هماهنگ نمود زیرا از ۱ تا ۹ ماهگی که فعالیتهای حرکتی کودک آغاز می‌شود، ابتدایی‌ترین فعالیت او بصری است. اسلام در این سنین تأکید زیادی دارد که والدین اعمال زناشویی را در مقابل چشمان کودک انجام ندهند. در دوره خردسالی دوره کنجکاوی طفل آغاز می‌شود و کودک سعی می‌کند محیط پیرامون خویش را بشناسد، هر چیز تازه یا غیر عادی عاملی برای کنجکاوی طفل بشمار می‌رود بطوری‌که حتی باعث ترس و وحشت وی خواهد شد. بنابراین اسلام در مورد پوشاندن عورت، خوابیدن فرزندان در رختخواب والدین، دستکاری یا تنفر و حمام کردن اطفال و جدا کردن بستر کودکان از یکدیگر دستورات زیادی را داده است. در حدیثی از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) نقل شده است که باید بستر کودکان در شش سالگی از هم جدا شود و در حدیث دیگری می‌فرماید: «اذا بلغت الجارية سنین فلا یقبلها الغلام و الغلام لا تقبله المرأة اذا جاوز سبع سنین»، دختر بچه شش ساله را پسر بچه نبوسد و همچنین زن‌ها از بوسیدن پسر بچه‌ای که سنش از هفت سال تجاوز کرده است خودداری کنند.»

تأکید زیادی می‌نماید حتی در طفولیت به مادر و اطرافیان هنگام نظافت طفل گوشزد می‌کند تا نقاط حساس را که موجب لذت طفل می‌شود کمتر لمس کنند. در عین حال که از نفرت داشتن آن نیز اطرافیان را منع می‌کند تا کودک از هویت جنسی خویش دچار شرم و خجلت نشده و دچار آشفتگی نقش نگردد^(۲)، البته در تربیت این میل باید توجه داشت راه افراط را نپیمود که چون فرزند انگیزه اصلی رفتار انسان را تنها به غریزه جنسی نسبت دهد و تبعیت از این عقیده خانواده را دچار سردرگمی نموده در نتیجه افسارگسیختگی در روابط جنسی را به دنبال داشته است. بطوری‌که آخرین آمار از نوزادان آمریکا نشان می‌دهد که بیش از ۴ میلیون کودک از مادران زیر ۱۹ سال بدنیا آمده‌اند و بنابه اطلاعات بدست آمده در واشنگتن مردم بر علیه آزادی سقط جنین دست به تظاهرات می‌زنند و ابراز می‌نمایند که از بین بردن کودکان مانع برقراری و استحکام خانواده شده است.^(۳) حال آنکه بخوبی می‌دانیم در این نوع جوامع، بی‌بندوباری جنسی تا چه حد رایج است. گاه نیز تفریط خانواده‌های متعصب نه به پیروی از شرع بلکه به خاطر طفره رفتن از دادن اطلاعات صحیح به کودکان و وادار نمودن آنها به پنهان نمودن هویت جنسی خویش کودک را به انحراف، بی‌کفایتی، پلیدی، بیماری و گناه می‌کشاند. به گفته ماکارنکو^(۴) روانشناس روسی: «مسائل مربوط به تربیت جنسی مستلزم توانایی فوق العاده و نزاکت خاص و تیز هوشی و دلسوزی

گرسنگی در مسیر صحیح بر آورده شوند، و بوسیله تعلیم و تربیت هدفدار شوند، انسان قادر خواهد بود با کاشتن بذر عشق و محبت به دیگران، به تعالی رسیده و از این طریق به کمال آن دسترسی یابد که همانا کمال جویی، زیبایی طلبی و در نهایت خداجویی است. وجود این نیاز در انسان هیچگاه نفی نگردیده است. استاد محمد تقی مصباح یزدی در کتاب فردشناسی برای خود سازی به این میل اشاره می‌کند و اینطور بیان می‌کند: «وجود امیال فطری در انسان لغو و عبث نخواهد بود بلکه برعکس عامل مهمی برای ترقی و تکامل و رسیدن او به سعادت و خوشبختی می‌باشد و اگر خوشبختی و کمال انسان منحصر به سعادت مادی و محدود بود، امیال نامحدود و لغو می‌بود. قرار دادن این امیال در نهاد انسان در صورتی که ارضای آنها ممکن نباشد، نظیر آن است که راهی را به کسی نشان دهند و چنان وانمود کنند که راهی بس طولانی و دور است، بطوری که شخص مزبور همه نیروهای خود را برای پیمودن آن متمرکز کند و با سرعت به طرف مقصد موهوم حرکت نماید.»^(۱) بنابراین همانگونه که روانشناسان و متخصصین علم رفتار معتقد به وجود غریزه جنسی در انسان می‌باشند دین مبین اسلام هم تأکید به وجود این میل در انسان داشته و دستورات تربیتی مهمی برای انسان از سن نوزادی تا سن ازدواج و پس از آن دارد و به اهمیت نوع تربیت جنسی و آماده نمودن جوان برای استفاده صحیح از این میل جهت تشکیل خانواده

۱- مصباح یزدی، محمد تقی، خودشناسی برای خودسازی، ص ۴۳

۲- روزنامه کیهان ۴/۱۱/۷۵، ص ۱

۳- Rote confusion

۴- Makarenko

۵- لاجتکف و روانشناسی تربیتی جنسی، ص ۱۲

حال که این همه تأکید را در مورد تربیت جنسی در دستورات اسلامی دانستیم، لازم است ابتدا با تعاریف بلوغ جنسی از دیدگاه‌های مختلف آشنا شده و سپس به نقش و وظایف مربیان نسبت به تربیت جنسی نوجوانان بپردازیم.

کلمه بلوغ^(۱) (سن مردی) معمولاً به ۱۱ الی ۱۷ سالگی گفته می‌شود. به لحاظ شرعی در کشورهای مختلف متفاوت است ولیکن در ایران دختران ۹ سالگی و پسران ۱۵ سالگی به سن تکلیف می‌رسند و از این سن مکلف به انجام واجبات الهی می‌شوند. در جوامع مختلف نوع دیگری از بلوغ نیز مطرح است که به آن بلوغ عرفی (سن قانونی) گفته می‌شود. و قانون مدنی هر کشور نوجوان را در این سن بالغ و مسئول رفتار خویش می‌شناسد. باید اضافه نمود که اصولاً نوجوانی یا Adoloscence سنین ۱۲ تا ۱۸ سالگی است. آغاز آن از سالهای آخر دوره دبستان بعنوان مرحله قبل از بلوغ است که در این مرحله رشد صفات ثانویه جنسی همراه با تغییراتی در اندامهای فرد ایجاد می‌شود. معمولاً این مرحله با بیم و هراس همراه است تا آنکه بیشترین تغییرات در دختران و پسران شروع می‌شود یعنی احتلامهای شبانه در پسران و عادت ماهیانه در دختران، سپس اندامهای جنسی رشد کافی یافته و احتمالاً پس از این مرحله نوجوان مشکلات جسمی و روانی خویش را پشت سر می‌گذارد. در این دوره متأسفانه احساسات و عواطف نوجوان بر عقلش غلبه دارد زیرا اکثر روانشناسان بویژه پیازه حداکثر رشد شناختی یا

عقلانی را سنین ۱۴ الی ۱۵ سالگی می‌دانند؛ از طرفی این سنین از نظر روانشناسان به سنین جهش عاطفی نام‌گذاری شده است. دوره غلبان عواطف فرد است. نقش کودک در زندگی کاملاً مشخص است افراد بالغ نیز به نقش خود کاملاً واقف هستند. ولیکن نوجوان در یک وضع روحی بسیار پیچیده و مبهم بسر می‌برد. قرن‌ها پیش افلاطون دوران بلوغ را به یک نوع شراب زدگی روان تشبیه کرده است. اسلام نیز به جوانی به دو صورت می‌نگرد. در دید منفی پیامبر ﷺ می‌فرماید: «الشباب شعبة من الجنون»^(۲) جوانی از اقسام جنون و دیوانگی است. و از دید مثبت حضرت پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اوصیکم بالشبان خیراً فانهم ارق ائدة ان .. یعنی بشیراً و نذیراً فخالفتی الشبان و فخالفتی الشیوخ»^(۳) به شما در مورد نوجوانان و جوانان به نیکی سفارش می‌کنم زیرا آنان دلی رقیق‌تر و قلبی فضیلت پذیرتر دارند زمانی که خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان بستند ولی پیران از قبول دعوتم سر باز زدند و به مخالفتم برخاستند. هنگامیکه نوجوان توانست به هویت جنسی خویش بگونه‌ای صحیح پی ببرد آنگاه است که مربی قادر خواهد بود شیوه‌های مطلوب تعلیم و تربیت جنسی را در مورد او به کار ببرد. حضرت آیت‌ا. مه‌دوی کنی نیز در این باره می‌گوید:

«وجود غریزه سرکش و مرزنشناس و

طغیانگر در انسان مخصوصاً در دوران نوجوانی که دوره بحران غرایز به شمار می‌رود از مسائل انکار ناپذیر است، زیرا هوسهای سرکش و غرایز و امیال حیوانی او را به هوسبازی و شهوترانی و ... دعوت می‌کند. اگر انسان، بانیروی عقل و ایمان نتواند خود را کنترل کند و قدرت رام کردن غریزه‌های ویرانگر را نداشته باشد، از نظر معنوی تا آنجا سقوط می‌کند که از حیوانات هم پست‌تر می‌شود.^(۴)»

از عوامل عدیده‌ای که اغلب مانع از سعی مربیان در این امر می‌شود پدیده زودرسی و دیررسی بلوغ در نوجوانان است. به پیدایش زودرس صفات ثانویه جنسی البته بدون توانایی تولید مثل، بلوغ زودرس کاذب گفته می‌شود. درست است که اختلالات فیزیولوژیک، عوامل جغرافیایی و عوامل اقتصادی مانند زندگی مرفه، تغذیه خوب در ایجاد آن تأثیر دارد ولی وسایل فرهنگی و تبلیغاتی چون سینما، تلویزیون، ویدئو، ضعف اعتقاد و نوع روابط دختران و پسران نیز در بروز آن بسیار مؤثرند و متأسفانه باید گفت در محیطهای ناسالم اثر منفی این زودرسی در سرنوشت دختران بیشتر مؤثر است تا پسران زیرا دختران دو تا چهار سال زودتر به سنین بلوغ می‌رسند در

۱- Puberty

۲- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۷،

ص ۴۹

۳- شاب قریش ص ۱

۴- آیت ا. مه‌دوی کنی، محمدرضا، نقطه‌های

آغاز در اخلاق عملی، چاپ اول، ص ۲۲.

«أوالطفل الذین لم یظہروا علی عورات...» اولیای اسلام در احادیث مختلفی، سفارشات زیادی فرموده‌اند که با دختران و پسران از سن ۶ سالگی به بعد باید بطور جداگانه رفتار شود هر چند که آنها به سن تکلیف نرسیده‌اند متأسفانه اغلب مشاهده می‌شود اجازه هرگونه فعالیت پسرانه قبل از بلوغ به دختر داده می‌شود و به هنگام بلوغ شتابزده اقدام به جداسازی دختر و پسر می‌شود که منجر به مشکل روانی در دختر می‌گردد. تحقیقات نشان داده است دخترانی که به آشپزی، خیاطی و مطالعه علاقمند بوده‌اند در دوره بزرگسالی دارای فعالیت‌های متناسب‌تری با نقش جنسی خود بوده‌اند و پسرانی که به بازیهای رقابتی و حرکتی زیاد و فعالیت‌هایی مانند مکانیکی، توپ‌بازی و تفنگ‌بازی پرداخته‌اند در دوران بلوغ مشکلات کمتری را در رابطه هویت جنسی خویش دارا بوده‌اند. بنابراین باید به فرزندان دو الگوی مناسب رفتاری که لزوماً ضد یکدیگر نیست، آموخته شود. بطور مثال، دختران در کمک به کوچکترها پوشاندن لباس و غذا دادن و در کمک به بزرگترها، پخت و پز و نظافت را بیاموزند و پسران حمل و نقل اشیاء، نظافت اتومبیل، خرید نان و... آموخته شود و همواره به آنها تاکید شود که دو الگو ضد

جنسی متفاوتی را در نظر می‌گیرند. پسرانی که روحیه‌ای مردانه و قوی دارند بیشتر دارای پدرانسی هستند که در تصمیم‌گیریهای خانوادگی و در تنظیم انضباطهای خانوادگی شخصیت غالب و مسلطی را در محیط خانواده دارند. بالعکس هنگامی که پدر نقش منفعلی در خانواده دارد در همانند سازی پسران به لحاظ نقش جنسی اثرات سویی می‌گذارد. البته باید متذکر شد منظور از نقش جنسی، وظایف و تکالیفی هستند که طبیعت بیولوژیکی، فرهنگ، جامعه و بزرگسالان از هر یک از دو جنس مرد و زن انتظار دارند و رویهمرفته باید گفت از سن سه سالگی است که دختر و پسر خود را باز می‌شناسند و تلاش می‌کنند تا نقش خویش را بعنوان دختر یا پسر بشناسند. آنچه باید به کودکان آموخت این است یاد گیرند چگونه جنس مخالف خود نباشند. خوشبختانه در مورد دختران اغلب مشکلات کمتر است زیرا همواره در کنار مادر هستند و برای الگوپذیری مادر را در پیش رو دارند ولی متأسفانه پسران اغلب با نبود پدر در خانه مواجه می‌شوند و برای آموزش نقش جنسی صحیح، مجبورند تغییر الگو دهند و لازم است در همه ادوار رشد کودک، پدر در خانواده حضور داشته باشد و نقش فعال و صحیح خویش را عهده‌دار گردد. خوشبختانه در اسلام سفارشات زیادی برای جداسازی دختر از پسر از ۶ سالگی شده است و تا سن تمیز مجاز می‌دانند که دختران با پسران به بازی بپردازند. چنانچه در قرآن می‌فرماید: (۳)

حالی که هنوز از لحاظ عقلی به رشد کامل دست نیافته‌اند و همین مسأله موجب به انحراف کشیدن آنها خواهد شد. همانگونه که زودرسی در زندگی نوجوانان مؤثر است دیررسی آن نیز می‌تواند بعنوان عقب ماندگی رشد در نوجوانان تلقی شود. نقش مریبان در این رابطه بسیار مهم است و باید به نوجوانان این مسأله را بقبولانند که هر فرد مطابق ساختمان بدن خویش رشد می‌نماید و کوچکی یا بزرگی جثه نشانه برتری یا کاهتری یک فرد نیست. (۱)

کهلبرگ (۲) معتقد است: «دختر و پسر بر اساس تفاوت‌های بیولوژیکی و طبیعی که دارند، رفتارهای متفاوتی را از خود ظاهر می‌سازند مانند تفاوت‌های موجود در لباس پوشیدن و آرایش مو... این رفتار توسط محیط، تقویت یا تضعیف می‌گردد» به عقیده وی کودکان از لحاظ رشد جنسی سه مرحله را می‌پیمایند:

۱- از سه سالگی کودک بطور اساسی تفاوت جنسی بین دختر و پسر را می‌شناسد. ۲- از ۵ سالگی و اوج آن در ۷ سالگی کودک متوجه می‌شود که دختران بعنوان دختر و پسران بعنوان پسر باقی می‌مانند ۳- از ۷ الی ۱۱ سالگی سنین ثبات جنسی است و هر یک از پسران و دختران به تثبیت جنسی خود می‌پردازند و می‌بایست در این سن نقش جنسی مناسب به دختران و پسران آموخته شود. مطالعات نشان داده‌اند که پدران بیش از مادران در یادگیری نقش جنسی کودکان مؤثرند زیرا پدران در مقایسه با مادران حتی از سنین ۲ و ۳ سالگی نقشهای

۱- روانشناسی تربیتی ویژه مراکز تربیت معلم،

ص ۱۵۰

۲- Kohlberg

۳- سوره نور، آیه ۳۱

یکدیگر نیست بلکه مکمل یک دیگرند. از این طریق است که دختران و پسران از اینکه دختر یا پسر هستند قلباً راضی و خشنود می‌شوند و دختر این باور را که موجودی مقید، محدود و تحت سلطه است و پسر نیز این باور را که آزاد، قدرتمند و سلطه‌گر است از ذهن خویش دور می‌سازد.

از اهم وظایفی که به اولیاء توصیه می‌گردد دادن پاسخ صحیح به سئوالات فرزندان است. لازم نیست کلیه جزئیات مطرح شود. می‌توان به صورت کلی مسائل را بیان کرد نه آنکه دروغ گفت چون از این طریق او را نسبت به خود بی‌اعتماد خواهید ساخت و حتی ممکن است طفره رفتن از پاسخ، باعث شود اطلاعات را از افراد منحرف و همسالان کم‌تجربه که خود دچار مشکل جنسی هستند بدست آورد. مادر و پدر که محرم راز فرزند هستند اگر خود بعلت شرم زیاد قادر به گفتن مسائل به فرزند نمی‌باشند، می‌توانند از مربی مدرسه کمک بگیرند. شرکت نوجوان در جلسات اجتماعی - مذهبی بطور مستمر، می‌تواند هویت مذهبی اجتماعی متناسبی برای او

به وجود آورد بویژه آنکه در رأس این نوع جلسات افرادی شناخته شده و امین قرار گرفته باشند، چه از لحاظ اجتماعی و چه از لحاظ شرعی. زیرا در سنین نوجوانی ساده‌اندیشی دوران طفولیت دیگر از بین رفته و نوجوان به قضاوت و سنجش و ارزیابی مجدد اشخاص، موضوعات و... می‌پردازد و با دید انتقادی به آنان می‌نگرد و کوچکترین عیب و نقص افراد با ذره‌بین مخصوص دوره بلوغ، بزرگ می‌شود بنابراین اگر نوجوان صداقت و سلامت این نوع جلسات را بپذیرد، احساس هویت می‌کند و خود را وابسته به گروهی سالم می‌یابد و چون در این گروه است سعی می‌کند تا حد امکان خود را از لغزش و خطا مصون سازد. از دیگر توصیه‌هایی که به مربیان می‌شود به هنگام مشاهده لغزشهای نوجوان، آن است که به جای زدن انگهائی چون بنی‌عرضه، عقده‌ای، پست، بی‌شخصیت به نوجوان مرتباً سختانی چون والایی، ارزشمند، قدرتمند با اراده به آنان نسبت داده شود و به هیچ‌وجه لازم نیست مسائل جنسی جنس مخالف و یا روابط جنسی را با نوجوان مطرح ساخت و تنها به هنگام ازدواج

گفتن این مطالب لازم بنظر می‌رسد و فقط می‌توان به نشان دادن فیلمهای آموزشی در مورد حیوانات و گیاهان بسنده نمود که ان‌شاء.. از این طریق خانواده‌هایی سالم در نتیجه جامعه‌ای سالم و نسلی سازنده سالم را دارا شویم زیرا به کرات، بی بند و بساری روابط جنسی والدین بعنوان الگوهای ناسالم، باعث شده تمایلات نهفته و پنهان جنسی به میلی سرکش و شدید تبدیل شده و خطرات عظیمی را برای فرد و جامعه به دنبال داشته باشد سخن را هر چند ناقص با جمله‌ای از لاجتکسف^(۱) به پایان می‌بریم که می‌گوید:

«برای رام کردن احساسات غریزه باید دانست که عقل و علم و تربیت، تاب مقاومت ندارند و باید سعی کنند از احساس دیگری، یعنی ایمان استفاده کنند.»^(۲)

۱- Lachtkof

۲- کودکان و نوجوانان - ترجمه محمدتقی زاده.

انتشارات بنیاد تهران ۱۳۶۱

منابع:

- ۱- حق جو، محمد حسین، نیازمندیهای نسل جوان
- ۲- همتی، علی اصغر، تحلیلی بر روابط دختر و پسر در ایران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان
- ۳- قائمی، علی، سازندگی و تربیت دختران